در بخش نخست این گفت‌وگو به مباحثی همچون: اشتراک یا عدم اشتراک میان اسلام رحمانی و لیبرالیسم، صحیح بودن یا نبودن به کار بردن عبارت اسلام رحمانی در برابر اسلام داعشی، مصادیقی از «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» در سیره پیامبر اسلام(ص)، پیشرفت اسلام با منطق و اخلاق و توجیه عملکرد داعش با استناد به سیره پیامبر(ص) پرداخته شد. اینک در بخش پایانی به موضوعاتی همچون: دفاعی یا تهاجمی بودن جنگ‌های پیامبر(ص)، نسبت اسلام رحمانی با مفاهیمی مانند استکبار ستیزی و دفاع از مظلومین و مستضعفان، هدف مدعیان اسلام رحمانی و وظیفه اهالی رسانه، حزب‌الله و جناح فرهنگی مؤمن در مقابل این جریان خواهیم پرداخت که تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

□ اگر موافق باشید، بحث جنگ‌های پیامبر(ص) را مطرح کنیم. جنگ‌های پیغمبر دفاعی بوده یا تهاجمی؟

- اسلام اهل کتاب را به شرطی که به ستیز برنخاسته باشد می‌تواند تحمل کند. پیغمبر(ص) دعوت می‌کرد. با منطق هم پیش می‌رفت. یک جا می‌پذیرفتند، مسلمان می‌شدند. یک جا هم نمی‌پذیرفتند. نداریم که اگر یک جایی نپذیرفتند، پیغمبر(ص) درصدد بود به آنجا لشگر بکشد و بر آنها بخاطر اینکه اسلام را نپذیرفتند، سخت بگیرد و با قوه نظامی با آنها مقابله کند. اما بعضی از قبایل وقتی اسلام را نمی‌پذیرفتند، احساس می‌کردند پیغمبر(ص) اگر قدرت پیدا کند آنها را تهدید خواهد کرد لذا می‌گفتند تا قدرت اسلام بیشتر از این نشده حمله کنیم و او و اسلام را نابود کنیم. آنها قصد حمله می‌کردند و پیامبر(ص) در مقام دفاع برمی‌آمد. از این موارد در دوران آن حضرت زیاد است. جنگ‌های متعددی به پیغمبر(ص) تحمیل شد چه در قالب غزوه چه در قالب سریه. با اینکه پیغمبر(ع) دعوت هم نکرده بود. آنها هستند که می‌آیند حمله می‌کنند. شما ببینید دو هفته بعد از فتح مکه غزوه حنین به پیغمبر(ص) تحمیل شد. علت وقوع این غزوه چه بود؟ قبیله هوازن که بخش اعظم‌شان چادرنشین بودند و بین مکه و طائف زندگی می‌کردند و بخش دیگرشان در طائف کنار قبیله ثقیف زندگی می‌کردند، آنها هستند که قصد حمله به پیغمبر(ص) در مکه را دارند. احساس‌شان این بود که پیغمبر(ص) حالا که مکه را گرفته فردا شاید بیاید سراغ ما. ما حمله می‌کنیم پیغمبر(ص) را که سرش به فتح مکه گرم است، همان جا شکست می‌دهیم و اسلام را از بین می‌بریم. خب حالا پیغمبر(ص) اینجا دست روی دست بگذارد؟ خیر. پیغمبر(ص) وقتی خبر می‌گیرد اینها قصد حمله دارند، فورا عکس‌العمل نشان می‌دهد و در مقام دفاع بیرون می‌آید. همچنین در سال نهم تاجران و کاروان‌هایی که از شام می‌آمدند، مرتب خبر آوردند که امپراطوری روم قوای عظیمی فراهم کرده می‌خواهد به مدینه حمله کند. وقتی این خبر به تواتر رسید، نباید دست روی دست گذاشت. پیغمبر(ص) عکس‌العمل نشان می‌دهد. لشگر بزرگی فراهم می‌کند به منطقه می‌رود. وقتی شنید شایعه‌ای بوده و حقیقت نداشته، بر می‌گردد. همان که غزوه تبوک نام گرفت. لذا این‌طور نبود که آن حضرت به هر قیمتی برود با دشمن بجنگد. وقتی دشمن سر جنگ نداشته، پیغمبر(ص) هم نمی‌جنگد و بر می‌گردد. بنابراین اگر ما جایی می‌خوانیم که پیغمبر(ص) دشمن را غافلگیر کرد، می‌بینیم تمام اینها در مواردی بوده که دشمن قصد حمله داشته و پیغمبر(ص) با هوشمندی و خبرگیری، متوجه می‌شده که آنها قصد تهاجم دارند و زود عکس‌العمل نشان می‌داده است. این خود یک هنر بزرگ است. یک تاکتیک خیلی موثر در نشان دادن قدرت اسلام است. دشمن قصد حمله دارد وقتی پیغمبر(ص) کسب خبر می‌کند، قبل از اینکه دشمن بخواهد به مدینه و دارالاسلام برسد و پیغمبر(ص) مجبور شود در مقابل شهر خود با او مقابل بشود، حضرت سریع به مقابله دشمن می‌رود و او را غافلگیر می‌کند. دشمن جا می‌خورد. انتظار ندارد که پیغمبر(ص) اولا متوجه شده باشد ثانیا به این سرعت عکس‌العمل نشان دهد. روحیه دشمن را اینطوری می‌شکست. لذا غالب این موارد پیروزی با اسلام بود. بنابراین می‌بینیم که عموم این تحرکات نظامی از بدر، احد، خندق، خیبر، موته و حنین گرفته تا حتی فتح مکه آن حضرت در مقام دفاع در برابر توطئه‌های دشمن برخاسته است. پیغمبر(ص) به چه دلیل به مکه لشکر کشید؟ بله پیغمبر(ص) می‌خواست مکه را از شرک نجات دهد اما مشرکانی که قرارداد بسته بودند تا ۱۰ سال با اسلام جنگی نداشته باشند و طبق مفاد پیمان صلح حدیبیه نباید به هم پیمان یکدیگر تعرض می‌کردند، این قریش است که پیمان را زیرپا می‌گذارد. به خزاعه متحد پیغمبر(ص) حمله می‌کند. حتی در محدوده حرم گروهی از اینها را می‌کشد. خزاعه از پیغمبر(ص) درخواست می‌کند از ما طبق این پیمان حمایت کنید. خود قریش هم حق را به پیغمبر(ص) می‌داد. منتها گفتند ما اشتباه کردیم جبران می‌کنیم که پیغمبر(ص) نپذیرفت و حرکت کرد و مکه را آزاد کرد. یعنی اگر آنها عهد شکنی نکرده بودند، اگر به هم پیمان پیغمبر(ص) حمله نکرده بودند، پیغمبر(ص) هم به طرف مکه حرکت نمی‌کرد. شاید یک حادثه دیگری عامل می‌شد که پیامبر(ص) سراغ مکه برود اما چون آنها عهد و پیمان شکستند و به هم‌پیمان پیامبر(ص) حمله کردند، حضرت به سوی مکه می‌رود. تمام اینها جنبه دفاعی دارد.

□ اسلام رحمانی با مفاهیمی مانند مبارزه با ظلم، دفاع از مظلومین و مستضعفان، استکبار ستیزی و جهاد با کفار و مشرکین چطور برخورد می‌کند؟

- اگر ما در طی این مصاحبه و بحث گفتیم که چیزی به عنوان اسلام رحمانی نداریم، باید از مدعیانش پرسید، آنهایی که می‌گویند اسلام رحمانی. باید بگوییم پس با این اصول مسلم اسلام چه می‌کنند؟ یعنی وقتی قرآن ویژگی و شاخص دشمنان خدا و مؤمنین که شیطان و کافران باشند را استکبار ورزی آنها تلقی می‌کند و تکلیف به مقابله می‌کند، از دید مدعیان اسلام رحمانی باید چه کرد؟ چرا شیطان از سوی خدا طرد شد؟ برای همان استکباری که ورزید. کافران هم استکبار دارند. خداوند خطاب به پیغمبر(ص) می‌فرماید «و لن ترضی عنک الیهود و لا النصاری حتی تتبع ملتهم» هرگز یهودیان و مسیحیان از تو خشنود نمی‌شوند مگر این که از آیین آنها پیروی کنی. (بقره ـ ۱۲۰) یعنی استکبار می‌ورزند. می‌خواهند برتری ادعایی خود را بر شما تحمیل کنند و شما را زیر نفوذ خودشان در بیاورند. وقتی قرآن ویژگی شاخص دشمنان خدا و مؤمنان را در استکبار آنها می‌داند، مدعیان اسلام رحمانی با اینها چه کار خواهد کرد؟ یا وقتی امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند «کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا» یک اصل کلی است که ما باید بایستیم در کنار مظلوم. مظلومان را فرموده نه فقط مظلوم مسلمان. باید از مظلومان در برابر ظالم دفاع و حمایت کرد. چه بسا ظالم به ظاهر مسلمان هم باشد، مثل این جانیان سعودی که دارند چنین فجایعی را در یمن مرتکب می‌شوند. اینجا ما سعودی‌ها را ظالم می‌دانیم و یمنی‌ها را مظلوم. در جریان جنگ ویتنام، ویتنامی‌ها با اینکه نه مسلمان بودند نه اهل کتاب، اما چون مظلوم بودند، من یادم هست که علمای بزرگ ما مدافع ویتنامی‌ها بودند و مخالف آمریکا که ظالم بود. ظاهرش این است که آمریکایی‌ها اهل کتاب و مسیحی هستند و ویتنامی‌ها مشرکند اما چون مظلوم واقع شده بودند، ما مدافع مظلوم بودیم. این اصل اسلامی است. بنابراین من به آن برداشت غلط مدعیان اسلام رحمانی کار ندارم. باید آنها جواب بدهند اما در اسلامی که به تعبیر حضرت امام(ره) اسلام ناب محمدی است و نیز در سیره پیامبر اکرم(ص)، دفاع از مظلوم و مقابله با مستکبر، یک اصل اساسی است. شما ببینید پیغمبر ما پیش از بعثت، زمانی که ۲۰ سال داشت، در پیمان جوانمردان (حِلف الفضول) برای دفاع از حق مظلومی که عاص بن وائل پدر عمرو بن عاص حق او را بالا کشیده، حضور پیدا می‌کند. فردی از یمن کالایی به مکه برای فروش آورده بود. عاص بن وائل که از بزرگان قریش بود، جنس را نسیه از او خرید و پرداخت وجهش را به بعد موکول کرد. وقتی صاحب کالا مراجعه کرد، عاص حاشا کرد که اصلا معامله‌ای صورت نگرفته و چون مکه هم حکومتی نداشت، داد این فرد به جایی نرسید. فریاد کمک سر داد. بیست سال پیش از ظهور اسلام است. گروهی از جوانمردان قریش جمع شدند و گفتند باید داد این مظلوم را بگیریم، هرچند او را نمی‌شناسیم و با ظالم اگر چه از خویشان ما باشد مقابله کنیم. چون دفاع از مظلوم کار ارزشی است، پیغمبر(ص) وارد می‌شود و از امضا کنندگان این پیمان است و بعدها هم که به رسالت مبعوث شده بود، از این جریان با خاطره‌ای خوش یاد می‌کرد و می‌فرمود اگر در اسلام هم من را به یک چنین پیمان‌هایی دعوت کنند، بی‌درنگ اجابت می‌کنم. ببینید مقابله با ظالم و دفاع از مظلوم است. اکنون اینهایی که دم از اسلام رحمانی می‌زنند، می‌گویند ما باید بپذیریم دنیا دهکده واحد جهانی شده است و کدخدای این دهکده آمریکاست. نمی‌شود با او درافتاد و باید این استانداردها را رعایت کرد.

□ می‌گویند باید به نظم نوین جهانی بپیوندیم و انقلابی گری را کنار بگذاریم.

- کسانی که دم از اسلام رحمانی می‌زنند ـ غیر از استثناءهایی ـ عموما با اسلام ولایی و اسلامی که ولایت آن را مدیریت و ترویج می‌کند، زاویه دارند. لذا در رد این منطق غلط بود که حضرت آقا هم راجع به همین مسأله واکنش نشان دادند.

حضرت آقا روی این قضیه تأکید کردند که اسلام و انقلاب دارای اصولی است که با این اصول شناخته می‌شود ولی عده‌ای می‌خواهند این موارد را از اسلام و انقلاب بگیرند (قریب به این مضمون). لذا معنا ندارد که ما در نظام برخاسته از انقلاب اسلامی، دم از اسلامی بزنیم که باید خود را با این استانداردهای غرب مستکبر خونخوار وفق دهد و کاری هم نکنیم که اینها علیه ما حساس بشوند. بنابراین مواردی که برشمردید: دفاع از مظلوم، مقابله با ظالم، استکبار ستیزی، جهاد با کفار و مشرکین «و جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم» ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن ، و بر آنها سخت بگیر! (توبه ـ ۷۳) اینها از اصول اسلام ناب است.

«و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه»و با آنها (مشرکان) بجنگید تا هیچ نوع کفر و فساد و ناامنی باقی نماند. (انفال ـ ۳۹)

احسنت. من یادم است حضرت امام(ره) ظاهرا بعد از پایان جنگ بود تعبیری را بکار بردند که الان مدعیان اسلام رحمانی آن را جرم می‌دانند. فرمود «جنگ جنگ تا رفع فتنه در کل عالم». یعنی اگر این جنگ ما حالا بخاطر شرایطی، موقعیت زمانه و مصلحتی که ایجاب می‌کند خاتمه پیدا کرد، اما برای رفع کل فتنه در عالم جنگ ادامه دارد و باید باشد. یعنی هرگز اینگونه نیست که بگوییم اسلام، اسلام اصیل ناب می‌تواند با استکبار برادر شود، با استکبار همسایه شود و کنار بیاید. اصلا این دو به هیچ وجه با هم وفق ندارند. اگر چنین شود این دیگر اسلام واقعی نیست. اسلامی نیست که قرآن تبیین کرده. اسلامی نیست که در سیره پیغمبر اکرم(ص) تبلور داشته، بلکه دچار انحراف اساسی است.

□ به نظر حضرتعالی نهایت هدف مدعیان اسلام رحمانی از طرح آن چیست؟

- اگر دقت کنید، عمدتا کسانی دم زده اند ـ غیر از آنهایی که اسلام رحمانی را مقابل اسلام داعشی برای دفاع از حقیقت اسلام مطرح می‌کنند ـ

□ که فرمودید اگر اسلام ناب مطرح شود بجاست.

- بله. این واژه را اینها با اهداف و اغراض خاص سیاسی‌شان مطرح می‌کنند. عمده کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند، امروز در آمریکا هستند یعنی در زیر پرچم آمریکا دارند اسلام رحمانی را ترویج و تبیین می‌کنند. کسانی هم که داخل هستند همان خط و ربط را دارند و آبشخور فکری آنها یکجا هست که گفتم. ویژگی‌اش هم این است که زاویه با ولایت و ولایت‌فقیه دارند. در جریان فتنه سال ۸۸ اینها برای ضربه زدن به نظام ولایت و به خیال خام خودشان محو آن و مطرح کردن چهره‌هایی که مطرود امام(ره) بودند، پا به پای آمریکا پیش رفتند. ببینید جالب است دیدگاه حضرت امام(ره) راجع به مصدق و بازرگان. امام(ره) چگونه از مصدق یاد کرده است؟ حالا می‌توان گفت کسانی واقعا به ولایت امام(ره) و رهبری امام اعتقاد دارند اما در سالمرگ مصدق عکس بزرگ او را در روزنامه‌ها و مجلات‌شان با تجلیل‌های فراوان از او چاپ می‌کنند. معلوم است که به این وسیله دارند دهن کجی به راه امام(ره) می‌کنند. نمی‌توانند مستقیم امام(ره) را بکوبند اما به این صورت عمل می‌کنند. یا مثلا بازرگان که امام(ره) منافقین را فرزندان خلف مهندس بازرگان حتی پرورده او می‌دانست. شما می‌بینید که چه تجلیل‌هایی از بازرگان به عمل می‌آورند. این نشان دهنده آن است که اینها با ولایت زاویه دارند و دقیقا در جهت اهداف آمریکا دارند عمل می‌کنند و هدایت این قضیه از آنجاست. یعنی بعید نمی‌دانم که آمریکا و انگلیس در اهل تسنن داعش و القاعده و امثالهم را پدید آوردند و در شیعه آن شیعه‌های انگلیسی که به تعبیر حضرت آقا با جهالت‌ها و تعصب‌های کوری که وهن تشیع هست، کارهایی می‌کنند و بهانه به دست دشمنان شیعه دهند و یا اینگونه به اصطلاح آزاداندیشان و روشنفکرانی که در پوشش اسلام رحمانی می‌خواهند شیعه را از آن اصول و ارزش‌های خود دور کنند و شیعه انقلابی و شیعه‌ای که ویژگی بارز آن مقابله با ظلم، بهره‌گیری از مکتب شهادت و اعتقاد به انتظار امام موعود(عج) است را از عرصه خارج کنند. اگر ما حرف این مدعیان اسلام رحمانی را بپذیریم، باید در برابر استکبار سکوت کنیم و چیزی نگوییم که با او و منافع او در تضاد باشد، آن وقت اگر کسی اینگونه باشد دیگر می‌تواند منتظر واقعی امام زمان(عج) باشد؟ آیا یک چنین کسی دیگر می‌تواند بگوید من پیرو امام حسین(ع) هستم و درس آزادگی را از مکتب امام حسین(ع) آموختم؟

□ نتیجه‌گیری از این مباحث می‌تواند این باشد که اسلام رحمانی در مقابل اسلام ناب و انقلاب اسلامی مطرح می‌شود؟

- بله و من احساسم این است همان گونه که گفتم از آنجا که سردمداران این طرز تفکر سال‌هاست در آمریکا هستند و آمریکا هم به عنوان شیطان بزرگ و دشمن اصلی اسلام ناب و انقلاب اسلامی جز بدی و بدخواهی برای ما به چیز دیگری فکر نمی‌کند، چه بسا این طرز تفکر در شیعه با خط دهی آمریکا مثل داعش، القاعده، سلفی‌ها و تکفیری‌ها در اهل تسنن، پدید آمده است.

□ داعیه داران اسلام رحمانی اشخاصی مثل امام موسی صدر، شهید آیت‌الله بهشتی، علامه محمد حسین فضل‌الله و شهید چمران را به عنوان نمادهای اسلام رحمانی معرفی می‌کنند. نظر جنابعالی چیست؟

- امام موسی صدر که اگر ایشان از دنیا رفته رحمت خدا بر او باد، اتفاقا یک چهره ظلم ستیز بوده است که در برابر اسرائیل و زیاده‌خواهی‌هایش ایستاد و در دفاع از حقوق شیعیان مظلوم لبنان ایثارها کرد و فداکاری‌ها از خود نشان داد. اتفاقا ایشان با آن وجهی که اینها از اسلام رحمانی جلوه می‌دهند، قابل تطبیق نیست.

ما اگر عملکرد شهید بهشتی را در آن دوران کوتاه بعد از انقلاب تا شهادت این بزرگوار در نظر بگیریم، می‌بینیم او نماد حزب‌اللهیان و امید بچه‌های حزب‌اللهی بود که به قول حضرت امام(ره) خار در چشم دشمنان به خصوص منافقین بود. ببینید منافقین چه تعابیری برای ایشان بکار می‌بردند؛ به آن مرد بزرگ سر دسته چماق داران می‌گفتند. آن موقع همه بچه‌های حزب‌اللهی عاشق شهید بهشتی بودند. چرا؟ به دلیل اینکه شهید بهشتی درست برخلاف القای اینها شعارهای سازش و کنار آمدن با مسأله داران و منحرفان را نمی‌داد. چون بر اصول و ارزش‌های انقلابی آن هم به صورت خالص پایداری کرده بود، اینطور مورد هجمه قرار گرفته بود. یعنی اگر ایشان امروز با همان اندیشه‌ها وجود داشت، اتفاقا مورد حمله سخت همین مدعیان اسلام رحمانی قرار داشت. این را کسی می‌گوید که به عنوان عاشق مرام و سلوک شهید بهشتی مثل توده‌های عظیم بچه‌های حزب‌اللهی آن دوره مرتب پای صحبت‌های ایشان از این مجلس به آن مجلس بودیم و او را نماد حزب‌الله، نماد پیروی از امام(ره) و خط امام(ره) می‌دانستیم. یعنی این وضعیت ایستادگی بر اصول و آرمان‌ها بر شهید بهشتی کاملا قابل تطبیق است.

شهید چمران را نگاه کنید. چپی‌های فاسد آن دوره به ایشان می‌گفتند جلاد تل زعتر. به خاطر ایستادگی‌اش. تله زعتر جایی بود در لبنان که اسرائیلی‌ها در هجوم به لبنان قتل عامی از فلسطینی‌ها با همکاری فالانژهای لبنان، جنایتکارانی که سرکرده آنها بشیر جمایل بود، کرده بودند. اینها می‌گفتند که شهید چمران جلاد آنجا بوده و فلسطینی‌ها را قتل عام کرده است. چرا؟ چون شهید چمران با صلابت مقابل جنایتکاران تجزیه طلب دموکرات و کومله در کردستان ایستاده بود با آنها جنگیده بود و ضربات سختی را به آنان وارد کرده بود. آیا حالا این شخصیت با آن دیدی که اینها مطرح می‌کنند، قابل جمع است؟

علامه فضل‌الله و سید حسن نصرالله را ببینیم. سید حسن نماد استقامت و مبارزه با استکبار و ظلم‌ستیزی در برابر اسرائیل و آمریکا در منطقه است. تا پیش از اینکه جریان‌های اسلام‌گرایانه در جهان عرب به انحراف کشیده شود که متأسفانه حاصلش عملکرد غلط اخوان‌المسلمین مصر و پیدایش النصره و داعش و این جریان‌های منحرف فاسد شد، سید حسن نصرالله به عنوان برجسته‌ترین و محبوب‌ترین چهره ظلم‌ستیز در جهان عرب و اسلام شناخته شده بود. وقتی آن حرکت‌های به اصطلاح اسلام‌گرایانه با القائات و توطئه‌های آمریکا در جهت منافع آمریکا مصادره شد، همان‌ها به دشمنی با حزب‌الله برخاستند و در صدد ضربه زدن به حزب‌الله و محو آن برآمدند. حالا ایشان از یک طرف آن چهره با صلابت ضد صهیونیستی و ضد استکباری را دارد و از طرف دیگر برای حفظ وحدت داخل لبنان تلاش می‌کند که جلوی فتنه انگیزی‌های آن جریان وابسته به آمریکا و عربستان را بگیرد و حتی با مسیحی‌هایی که به مقاومت باور دارند، هم‌پیمان می‌شود چرا که دشمن مشترک همه مسلمان‌ها و مسیحی‌ها صهیونیسم است. از این جهت ایشان یک بُعد وحدت گرایانه و مقابله با تفرقه دارد و حاضر است خیلی چیزها را نادیده بگیرد. می‌دانید حزب‌الله قوی‌ترین، محبوب‌ترین و پرطرفدارترین جریان سیاسی در لبنان است اما برای اینکه حساسیت‌ها ایجاد نشود، از حق خودش گذشته است. در مجلس و دولت کمترین عضو را دارد برای یک مصلحت بالاتری. اینها جلوه‌های رحمانی حزب‌الله است. اما از آن طرف مقاوم و سرسخت در برابر صهیونیسم و آمریکا و مطامع آنها ایستاده که خار چشم آمریکا و صهیونیسم است. سید حسن نصرالله در درجه اول با بهره‌گیری از رهنموهای حضرت آقا و بعد هم علامه فضل‌الله این‌گونه عمل کرده است و به این موفقیت‌ها دست یافته است. بنابراین کسی نمی‌تواند از سویی ادعا کند و بگوید امام موسی صدر، شهید بهشتی، علامه فضل‌الله، شهید چمران و سید حسن نصرالله مصداق اسلام رحمانی‌اند، اما از سوی دیگر اعتقاد به امام(ره) و حضرت آقا به عنوان نماد و منادیان اسلام اصیل نداشته باشند یا با آن بزرگواران زاویه داشته باشند. یعنی می‌خواهم بگویم همه آن عزیزانی که نامشان ذکر شد اگر امروز بودند، ـ خدا صحت و سلامتی و طول عمر به سید حسن نصرالله بدهد، اما بقیه آنها که یا از دنیا رفتند یا به شهادت رسیدند ـ در جهت و خط ولایت حرکت می‌کردند و همین مدعیان اسلام رحمانی با آنها درافتاده بودند که شماها با این حرکات و مواضع‌تان دارید دشمنی جهان را برای ما می‌خرید. شهید بهشتی چه از طرف چپی‌ها چه منافقین و چه بعضی از همین‌هایی که امروز در مجمع روحانیون مبارز هستند مورد حمله قرار داشت. همان سرکرده کسانی که لانه جاسوسی را گرفتند و بعدا طوری عمل کرد که مورد عنایت ویژه آمریکا و غرب قرار گرفت، همین‌ها الان منادیان اسلام رحمانی‌اند. همین آقا از مخالفان شهید بهشتی بود در آن موقع. بعد همین آقا و همفکرانش خواهان رابطه با آمریکا شدند و در جریان فتنه ۷۸ و ۸۸ خواهان رسیدن صدای شان به جهان آزاد یعنی آمریکا و انگلیس و دیگر کشورهای غربی شد. غربی‌ها هم کاملا با اینها همراهی و همگامی کردند. خط ۳ را اینها ایجاد کرده بودند. چون مخالف شهید بهشتی بودند که نماد حزب‌الله و پیروان راستین امام(ره) بود. آن وقت اکنون همان آقایان با آمریکا کنار می‌آیند و منادی اسلام رحمانی می‌شوند و شهید بهشتی را از خودشان می‌دانند و می‌خواهند گوشه بزنند به ولایت و مؤمنانی که در پیروی از ولایت ایستاده‌اند.

□ وظیفه اهالی رسانه، حزب‌الله، اهل علم و جناح فرهنگی مومن نسبت به این جریان چیست؟

- ببینید ما باید هوشیار باشیم و مقابل انحرافات و توطئه‌ها و خیانت‌ها و جلوی انحراف را بگیریم یا فریب منحرفان را نخوریم. من معتقدم اگر ما می‌خواهیم تکلیف‌مان را به درستی بدانیم، در صحبت‌های رهبری باید مداقه داشته باشیم. هر سخنی را که ایشان بیان داشتند به خصوص وقتی تأکید می‌کنند که مثلا شما دانشگاهیان، شما اصحاب رسانه، شما روحانیون، شما افسران جنگ نرم، شما فرماندهان جنگ نرم، تکلیف برای ما ایجاد می‌شود. لذا ما باید اینها را دقیق مطالعه کنیم و بدانیم این موضوعی را که ایشان مطرح کردند، به کجا برمی‌گردد، این خط و این جریان را بشناسیم و اگر در صدد ایجاد انحراف است، با آن مقابله کنیم. شما اصحاب رسانه باید هشدار و رهنمود معظم‌له را تبیین کنید. مطرح کنید که ایشان اینجا اینطور فرمودند، آنجا مصداقش این است و به این وسیله بتوانید به سهم خودتان از گسترش آن انحراف و یا حق جلوه دادنش جلوگیری کنید. در دانشگاه‌ها دانشجویان و اساتید وظیفه دارند در حوزه‌ها علما وظیفه دارند. صحبت ولایت است. این گذشته از یک وظیفه ملی که در درجه دوم است، وظیفه شرعی ما است که در درجه اول اهمیت قرار دارد. ما تصور کنیم که امام زمان(عج) ظهور کرده است و از ما انتظاراتی دارد اگر ما به آنها اهتمام نورزیم، آیا می‌توانیم در روی مقدس امام زمان(عج) نگاه کنیم؟ حالا که آن وجود مقدس در پس پرده غیبت است، نائب آن حضرت در همان جایگاه قرار دارد و ما اگر می‌خواهیم خشنودی امام زمان(عج) را جلب کنیم، باید با تبعیت از نائب او و عمل به رهنمودهای او در پیشگاه خدا و امام زمان(عج) روسفید و سرافراز باشیم.

□ از وقتی که در اختیار ما قرار دادید، بسیار ممنون و سپاسگزاریم.

گفت‌وگوی اختصاصی کیهان با دکتر رجبی دوانی - بخش دوم و پایانی

اسلام رحمانی زاویه اساسی با اسلام ناب و اصیل دارد

گفت‌وگو از: محمد حسین حمزه

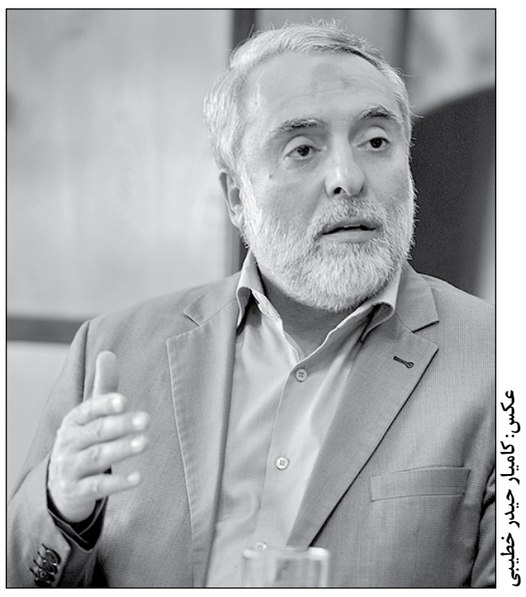

عکس: کامیار حیدر خطیبی

*** این جریان مدعی اسلام رحمانی نشان داده است که یک جریان سیاسی با یک سلیقه متفاوت برای اداره کشور نیست بلکه یک جریان منحرف فکری است. وقتی که متولیان این طرز تفکر در آمریکا وحیانی بودن قرآن را زیر سوال می‌برند، در وجود مقدس امام زمان(عج) تشکیک می‌کنند، قرآن را تراوشات ذهن پیغمبر(ص) می‌خوانند، یا برخی از زنان اینها می‌آیند کشف حجاب می‌کنند و حجابی که از ضروریات دین است یا از همین جریان اصلاح طلبی زن خبرنگاری کشف حجاب کرده می‌رود با پسر شاه معدوم دست می‌دهد و عکس می‌گیرد و شرم هم نمی‌کند، یکی از همفکرانشان در داخل آنها را محکوم نمی‌کند.**

*** شهید بهشتی درست برخلاف القای اینها شعارهای سازش و کنار آمدن با منحرفان را نمی‌داد. چون بر اصول و ارزش‌های انقلابی آن هم به صورت خالص پایداری کرده بود، اینطور مورد هجمه قرار گرفته بود. یعنی اگر ایشان امروز با همان اندیشه‌ها وجود داشت، اتفاقا مورد حمله سخت همین مدعیان اسلام رحمانی قرار داشت. این را کسی می‌گوید که به عنوان عاشق مرام و سلوک شهید بهشتی مثل توده‌های عظیم بچه‌های حزب‌اللهی آن دوره مرتب پای صحبت‌های ایشان از این مجلس به آن مجلس بوده و او را نماد حزب‌الله، نماد پیروی از امام(ره) و خط امام(ره) می‌دانسته است.**

*** کسی نمی‌تواند اسلام را بر مبنای خواسته‌ها، اغراض و سلیقه سیاسی خود تبیین و تفسیر کند. آن حرف بسیار غلطی که رئیس دولت اصلاحات چند سال پیش مطرح کرد که انسان از طرق مختلف می‌تواند به خدا برسد و قرائت های گوناگون از دین وجود دارد، این یک انحرافی بود که عده‌ای ممکن است تحت تأثیر آن قرار گرفته باشند و اگر منحرف شده باشند، وی در انحراف همه آنها مسئول و مقصر است. ما اسلام را باید از طریق مرجعیت و روحانیت اصیل که امروز تبلور در ولایت فقیه دارد، دریافت کنیم.**

*** وقتی قرآن ویژگی و شاخص دشمنان خدا و مؤمنین که شیطان و کافران باشند را استکبار ورزی آنها تلقی می‌کند و تکلیف به مقابله می‌کند، وقتی قرآن ویژگی شاخص دشمنان خدا و مؤمنان را در استکبار می‌داند، این اسلام رحمانی با اینها چه کار خواهد کرد؟ یا وقتی امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند «کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا» یک اصل کلی است که ما باید بایستیم در کنار مظلوم. کلی هم فرموده نه مظلوم مسلمان، از دید مدعیان اسلام رحمانی چه باید کرد؟**

□ اگر هم مراجع و حضرت آقا بفرمایند ما یقین داریم که مبتنی بر اسلام ناب و با توجه به شرایط روز است.

- بله احسنت. منظور همین است چون این بزرگواران خود را در پیشگاه خدا و امام زمان(عج) و صاحب شریعت پیغمبر اکرم(ص) مسئول می‌دانند و باید جواب دهند و ما می‌دانیم که قطعا اعوجاج و انحرافاتی در آنان نیست و هر آنچه می‌گویند برای ما حجت است. این باور را باید داشته باشیم یعنی اگر از طریق این بزرگواران اسلام معرفی، تفسیر و تبیین نشود، باید با دید و چشم مشکوک به آن نگاه کرد و نمی‌تواند مورد پذیرش باشد. به خصوص که در این سال‌ها ما بارها دیده‌ایم که هرگاه حضرت آقا خطرات این جریان انحرافی را تشخیص داده‌اند، برای جلوگیری از منحرف کردن مردم توسط آنان مستقیم یا غیرمستقیم نوع انحراف را تبیین کرده و هشدارهای لازم را داده‌اند.

□ منظورتان، جریان انحرافی در دولت گذشته است؟

- نه

□ همین اسلام رحمانی؟

- بله

من معتقدم این جریانی که فتنه را پدید آورد و اصلاح‌طلبانی که از عملکردهای ضد دینی مفسدان حاضر در جمع خود ابراز برائت نکردند، اینها به مراتب منحرف‌تر از آن جریانی هستند که ما در دولت قبل به عنوان جریان انحرافی می‌شناختیم. آنها با یک برداشت نابجا از مسئله مهدویت، فقط در آن مقطع و آن موضوع مشکلی ایجاد کرده بودند. اما این جریان به نظرم به مراتب منحرف‌تر است. چرا؟ چون نشان داده است که یک جریان سیاسی با یک سلیقه متفاوت برای اداره کشور نیست بلکه یک جریان منحرف فکری است. وقتی که متولیان این طرز تفکر در آمریکا وحیانی بودن قرآن را زیر سوال می‌برند، در وجود مقدس امام زمان(عج) تشکیک می‌کنند، وقتی که قرآن را تراوشات ذهن پیغمبر(ص) می‌خوانند، اینها همه کفر و ضدتعالیم الهی است و یا برخی از زنان اینها می‌آیند کشف حجاب می‌کنند و هیچ کدام موضع نمی‌گیرند، حجابی که از ضروریات دین است می‌آیند در مقابل دوربین‌های دشمن حجاب از سر برمی‌دارند یا از همین جریان اصلاح طلبی زن خبرنگاری کشف حجاب کرده می‌رود با پسر شاه معدوم دست می‌دهد و عکس می‌گیرد و شرم هم نمی‌کند، یکی از همفکرانشان در داخل او را محکوم نمی‌کند. یا آن خیانت بزرگی که روزنامه بهار دوسال پیش در آستانه عید غدیر در توهین به ولایت امیر مؤمنان(ع) کرد، یک نفر از جریان مدعی اصلاح‌طلبی این خیانت را محکوم نکرد. لذا من این را یک جریان منحرف فکری عقیدتی و یک فرقه منحرف می‌دانم که در اصول اعتقاداتش و در احکام شرعی‌اش زاویه اساسی با اسلام ناب و ولایتی دارد. حالا اینها هستند که عمدتا دم از اسلام رحمانی می‌زنند و طبیعی است که افراد هوشیار و متدین می‌توانند متوجه شوند که این سخن گفتن‌ها و این مواضع ارتباط با اسلام اصیل ندارد بلکه نقطه مقابل آن است.

وظیفه مشخص است. ملاک برای ما رهبری معظم و مراجع عظام تقلید هستند و داشتن بصیرتی که خطرات و تهدیدات منحرفان را دریابیم. مثلا اخطارهایی که رهبر معظم انقلاب در سالروز ارتحال امام(ره) در حرم مطهر امام(ره) مطرح می‌کند، ضمیر این صحبت‌ها به کجا بر می‌گردد؟ اگر ایشان احساس خطر در ارتباط با این انحراف نکرده باشد، در آن روز مهم یک چنین سخنی را بیان نمی‌کند. یا در دانشگاه امام حسین(ع) که می‌آیند و سخنانی را مطرح می‌کنند، در ارتباط با آن ارزش‌های اصیل انقلاب، اصول و خطوط قرمز، به دست ما می‌آید که چه کسانی این خطوط را نادیده گرفتند و مشکل دارند. یعنی شأن رهبر معظم انقلاب نیست و ما نباید هم انتظار داشته باشیم که معظم له بیایند مصداق را مطرح کنند. ایشان آن خطوط کلی را می‌دهد. آن کلید واژه‌ها را به ما می‌دهد تا ما بتوانیم تشخیص بدهیم و او را نماد حزب‌الله، نماد پیروی از امام(ره) و خط امام(ره) می‌دانستیم. یعنی این وضعیت ایستادگی بر اصول و آرمان‌ها بر شهید بهشتی کاملا قابل تطبیق است.

شهید چمران را نگاه کنید. چپی‌های فاسد آن دوره به ایشان می‌گفتند جلاد تل زعتر. به خاطر ایستادگی‌اش. تله زعتر جایی بود در لبنان که اسرائیلی‌ها در هجوم به لبنان قتل عامی از فلسطینی‌ها با همکاری فالانژهای لبنان، جنایتکارانی که سرکرده آنها بشیر جمایل بود، کرده بودند. اینها می‌گفتند که شهید چمران جلاد آنجا بوده و فلسطینی‌ها را قتل عام کرده است. چرا؟ چون شهید چمران با صلابت مقابل جنایتکاران تجزیه طلب دموکرات و کومله در کردستان ایستاده بود با آنها جنگیده بود و ضربات سختی را به آنان وارد کرده بود. آیا حالا این شخصیت با آن دیدی که اینها مطرح می‌کنند، قابل جمع است؟

علامه فضل‌الله و سید حسن نصرالله را ببینیم. سید حسن نماد استقامت و مبارزه با استکبار و ظلم‌ستیزی در برابر اسرائیل و آمریکا در منطقه است. تا پیش از اینکه جریان‌های اسلام‌گرایانه در جهان عرب به انحراف کشیده شود که متأسفانه حاصلش عملکرد غلط اخوان‌المسلمین مصر و پیدایش النصره و داعش و این جریان‌های منحرف فاسد شد، سید حسن نصرالله به عنوان برجسته‌ترین و محب